



مفهوم انسان در جغرافیا

و

تفاوت آن با سایر علوم

بهرام نجف‌پور (دانشگاه پیام نور - مرکز آموزشی فیروزآبادفارس)
The concept of human in Geography and its
differences with other sciences

خلاصه

جغرافیا به عنوان علم مطالعه رابطه متقابل انسان و محیط تعریف شده است. مفهوم انسان در جغرافیا به درستی روشن نیست. این موضوع باعث واضح نبودن ماهیت و قلمرو علم جغرافیا شده است. علوم مختلف دیگری از جمله روانشناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ... در مورد انسان گفتگو می‌کنند. مفهوم انسان در جغرافیا با سایر علوم متفاوت است. منظور از انسان در جغرافیا فعالیت‌های انسان است. با توجه به تعریف مفهوم انسان در جغرافیا، علم جغرافیا را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود:

«جغرافیا علم مطالعه رابطه متقابل فعالیت‌های انسان با محیط زندگی است».

خطر بزرگی که علم جغرافیا را تهدید می‌کند، جدایی انسان در مطالعات جغرافیایی است.

مقدمه:

سیری در تاریخ علم جغرافیا نشان می‌دهد که این علم در طول تاریخ حیات خود همواره دو تعریف را بیشتر حفظ نموده است. در آغاز این علم به عنوان علم شناسایی مکانها در بین محققین و مکتشفین رونق یافت و

کلمه جغرافیا را برگرفته از کلمه ژئو به معنی زمین و گرافی به معنی ترسیم و شناسایی می‌دانستند. با پیشرفت علوم و تکنیک به تدریج نقاط کره زمین یکی بعد از دیگری شناسایی و کشف شد. پس از کشف آخرین نقاط کور کره خاکی جغرافیا به مفهوم علم شناسایی مکانها معنی و مفهوم خود را از دست داد و مفهوم تازه‌ای بر تنه این درخت نیرومند روید. مفهوم جدید مطالعه رابطه متقابل بین انسان و محیط بود.

از آنجایی که در جهان مادی بینهایت رابطه با شدتها و جهت‌های مختلف بین پدیده‌ها وجود دارد، و بشر با توانایی علمی خود هر روز دریچه‌ای نو بر مجهولات خود می‌گشاید، این مفهوم جدید هر روز وارد چالش و مرحله‌ای تازه می‌شود و کم‌کم علم جغرافیا می‌رود تا از اختصاصی شدن در بین عده‌ای محدود به علمی کاربردی و مشکل‌گشا تبدیل شود. نوشتن کتابهای متعدد، ظهور اندیشه‌های جدید، انتشار مجلات متعدد جغرافیایی از مهمترین جلوه‌های امید این تفکر جدید است. هرچند بحث در ماهیت و قلمرو هر علمی در حیطه تفکر کسانی است که سالها عمر شریف خود را صرف تحقیق و تدریس در زمینه آن علم کرده‌اند، اما مبتدیان نیز از اصلاح تفکر خود و روشن شدن نقاط ابهام بی‌نیاز نیستند. به قول شاعر:

به ره بادیه رفتن به از نشستن باطل / که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
بر پایه این عقیده اینجانب از ابتدای تحصیل و تدریس در رشته جغرافیا



۶) انسان اقتصادی:

اقتصاد علمی است که موضوع مطالعه آن معیشت انسان است. در علم اقتصاد شیوه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم انسان در علم اقتصاد شیوه تولید و نوع معیشت انسان را زنده می‌کند.

۷- انسان علوم سیاسی:

علم سیاست یا حکومت‌داری، روشها و دیدگاههای مختلف اداره کشور و نظامهای سیاسی بین‌المللی را مورد مطالعه و تبادل نظر قرار می‌دهد. واژه انسان از نظر فرد سیاستمدار دیدگاهها و روشهای اداره کشور و حکومت را تداعی می‌کند. حال با تعریف مفهوم انسان در علوم مجاور جغرافیا مفهوم و جایگاه انسان در جغرافیا و قلمرو آن راحت‌تر بیان می‌شود.

مفهوم انسان در جغرافیا:

آنچه باعث روشن شدن ماهیت و قلمرو جغرافیا می‌گردد و موضوع مورد مطالعه آنرا از سایر علوم جدا می‌کند و استقلال و هویتی خاص به علم جغرافیا می‌بخشد، مفهوم انسان در جغرافیاست. منظور از انسان در جغرافیا فعالیت انسان است. کلمه و مفهومی که تا به حال کمتر درباره آن صحبت شده است. همیشه جغرافیا را به عنوان علم مطالعه رابطه متقابل انسان و محیط تعریف نمودیم، ولی کمتر در معنی و مفهوم واژه انسان تفکر کردیم. به طوری که بیشتر کسانی که با این علم در ارتباط بودند (خصوصاً دانشجویان) واژه انسان را معادل جسم و کالبد معنی نمودند. در مورد واژه محیط بیشتر صحبت شده است و شاید دلیل آن تکرار این واژه در علوم طبیعی مجاور جغرافیا از جمله محیط زیست و بوم‌شناسی باشد. ما جسم و کالبد انسان را به عنوان یکی از پدیده‌های اشغال‌کننده فضا ارجح می‌نیم، اما منظور ما از انسان در جغرافیا فعالیتهای آن موجود ناطقی است که با رفتار و شیوه تفکر خود باعث تغییر و تبدیل فضا می‌گردد و محیط طبیعی را به محیطی جغرافیایی تبدیل می‌کند.

انواع فعالیتهای انسان:

مطالعه تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد فعالیتهای انسان در سه دسته عمده زیر صورت می‌گیرد.

تجارت و بازرگانی
حمل و نقل
آموزش و پرورش
هنری - ورزشی
بهداشت و درمان
ارتباطات
مسکن

۱- خدماتی - اداری از قبیل ←

یکی از نقاط ابهام تعریف علم جغرافیا براساس «علم مطالعه رابطه متقابل انسان و محیط» مشخص نبودن مفهوم انسان در جغرافیا حس نمودم. به همین منظور در اینجا این باب را گشودم تا صاحب‌نظران با بیان اندیشه خود موجب راهنمایی و تقویت مطلب گردند. ابتدا مفهوم انسان در علوم مجاور علم جغرافیا مطرح می‌شود تا جایگاه انسان در جغرافیا بهتر بیان گردد، سپس به بیان مفهوم انسان در جغرافیا می‌پردازیم.

مفهوم انسان در سایر علوم

هر چند تمام علوم، حاصل تفکر انسانند و نتایج آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با زندگی انسان می‌باشد، اما برای روشن شدن مفهوم انسان در جغرافیا، نیازمندیم بدانیم علوم دیگر چه دیدگاه و اندیشه‌ای نسبت به انسان دارند. از جمله مهمترین علمی که موضوع مطالعه آنها انسان است علوم زیر می‌باشند:

۱) انسان پزشکی:

در علم پزشکی آنچه برای پزشک مهم و حساس است، جسم و کالبد انسان است. یعنی ماده‌ای به نام انسان که وزن دارد و فضا را اشغال می‌کند. برای یک پزشک کلمه انسان مفهوم مادی دارد و جسم و تن بیمار را تداعی می‌کند.

۲) انسان فلسفی:

در فلسفه آنچه از مفهوم انسان برداشت می‌شود، تفکر و اندیشه انسان است دیدگاه انسان نسبت به جهان مادی و ماوراء مادی و شیوه‌های تفکر وی مهمترین موضوعهای علم فلسفه است.

۳) انسان علوم اجتماعی:

علوم اجتماعی علمی است که به مطالعه کنش و واکنش‌های انسان در جامعه و پیامدهای جامعه بر انسان می‌پردازد. به عبارتی مفهوم انسان در علوم اجتماعی فردی و جامعه را تداعی می‌کند.

۴) انسان روانشناسی:

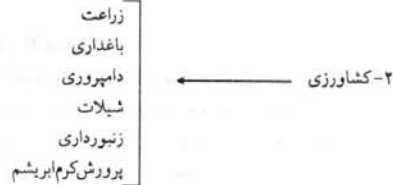
در علم روانشناسی آنچه از مفهوم انسان مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد رفتار و روان انسان است. یعنی یک نفر روانشناس زمانی که در مورد انسان سخن می‌گوید بیشتر روان و رفتار وی را مورد نظر می‌گیرد.

۵) انسان تاریخی:

موضوع مورد بحث علم تاریخ گذشته انسان است. تاریخ انسان را در بستر زمان مورد مطالعه قرار می‌دهد. واژه انسان در علم تاریخ گذشته انسان را تداعی می‌کند.



جغرافیا را در تخصصی شدن شاخه‌های جغرافیا خصوصاً در گرایش طبیعی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری به وضوح می‌توان دید.



منابع
 (۱) اولویوه دولفوس، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد سال ۱۳۷۰
 (۲) بدری‌فر، منصور، جغرافیای اقتصادی (عمومی - کشاورزی)، دانشگاه پیام نور، سال ۱۳۷۳.

(۳) بیرزژ، روش تحقیق در جغرافیا، ترجمه سیدحسن مطیعی لنگرودی، آستان قدس، مشهد، سال ۱۳۷۱.

(۴) پاپلی یزدی، محمدحسین، تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱ تابستان سال ۱۳۶۵.

(۵) پاپلی یزدی، محمدحسین، پاسخگویی به نقد بررسی کتاب و مقاله، رشد و آموزش جغرافیا، شماره ۱۴، تابستان سال ۱۳۶۷.

(۶) پاپلی یزدی، محمدحسین، پاسخگویی به نقد و بررسی کتاب و مقاله، رشد و آموزش جغرافیا، شماره ۱۵، پاییز سال ۱۳۶۷.

(۷) پاپلی یزدی، محمدحسین، تشکر و پاسخ به نقد استاد محترم جناب آقای دکتر محمدحسن گنجی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۲۹، تابستان سال ۱۳۷۲.

(۸) پل کلاول، جغرافیای نو، ترجمه سیروس سهامی، سازمان چاپ مشهد، سال ۱۳۷۳.

(۹) رامشت، محمدحسین، در حاشیه هماوردها اندیشه، دست‌نویس، تابستان، سال ۱۳۷۲.

(۱۰) شکوتی، حسین، پاسخ به نویسنده محترم دیدگاهی تازه از جغرافیا، رشد و آموزش جغرافیا، شماره ۱۵، پاییز سال ۱۳۶۷.

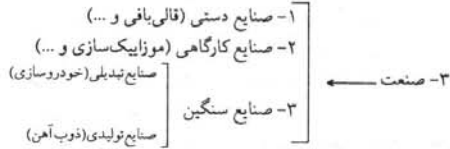
(۱۱) شکوتی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، گیتاشناسی، تهران، سال ۱۳۷۵.

(۱۲) قره‌نژاد، حسن، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی، جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۷۴.

(۱۳) گنجی، محمدحسن، پیرامون تعاریف جغرافیایی، رشد و آموزش جغرافیا، شماره ۲۹، بهار سال ۱۳۷۱.

(۱۴) مجموعه مقالات، ماهیت و قلمرو علم جغرافیا، سمت، تهران، سال ۱۳۷۱.

(۱۵) علیجانی، بهلول، فنون و روشهای میدانی در جغرافیا، سمت، تهران، سال ۱۳۷۱.



همانطوری که مشاهده می‌شود فعالیتهای خدماتی - اداری، کشاورزی و صنعتی سه گروه عمده فعالیتهای بشری را در دنیای امروز تشکیل می‌دهند. هر کدام از این فعالیتهای خود به گروه‌های جزئی‌تری تقسیم می‌شوند.

فعالیتهای انسان در طول زمان ثابت نیست و تابع شرایط زمان و مکان می‌باشد. تکنیک، مدیریت و ایدئولوژی سه عنصر مهم تفاوت فعالیتهای انسان از یک زمان یا مکان به زمان یا مکان دیگری است. به طوری که مطالعه فعالیتهای انسان در طول تاریخ نقش این سه عنصر را به وضوح روشن می‌کند.

نتیجه‌گیری:

اکنون با تعریف مفهوم انسان در جغرافیا و انواع فعالیتهای انسان، علم جغرافیا را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود:
 «جغرافیا علم مطالعه رابطه متقابل فعالیتهای انسان با محیط زندگی است».

عصر دوم این تعریف (محیط زندگی) نیز نیازمند تعریف و توضیح می‌باشد که در فرصت مناسب به آن اشاره خواهد شد.

تا اینجا اشاره شد که آنچه باعث مشخص شدن ماهیت جغرافیا و تعیین قلمرو آن می‌گردد، مفهوم انسان است. نکته دیگر که به عنوان یک تهدید برای این علم لازم به یادآوری و هشدار است، خطر جدایی انسان از جغرافیاست. همان طوری که می‌دانیم جغرافیا علمی ترکیبی است که اطلاعات پایه خود را چه در بخش انسانی و چه در بخش طبیعی از علوم مجاور کسب می‌کند. این اطلاعات هر کدام شاخه‌ای از علوم طبیعی یا انسانی را تشکیل می‌دهند. آنچه باعث هویت مستقل برای جغرافیا می‌شود، نقشی است که جغرافیا در برقراری رابطه بین انسان و محیط ایفا می‌کند. اگر این نقش از جغرافیا گرفته شود، جز مجموعه‌ای اطلاعات سطحی و غیر تخصصی چیزی باقی نمی‌ماند. جلوه‌هایی از جدایی انسان از